

## عوامل انگیزشی داوطلبان برای ورود به دانشگاه

کیانوش محمدی روزبهانی\*

ابوالفضل ظارمی

مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور

### چکیده

آزمون سراسری (کنکور) در ایران با نزدیک به یک و نیم میلیون شرکت کننده به پدیده اجتماعی قابل توجه در سالهای اخیر بدل شده است. از ابعاد مهمی که می‌تواند به تحلیل و تفسیر این پدیده کمک کند، بررسی روانشناختی آن است. یافتن انگیزه‌های داوطلبان برای ورود به دانشگاه، به عنوان یکی از مبانی روانشناختی تقاضای عمومی برای آموزش عالی، هدف اصلی این تحقیق است.

نمونه‌های این تحقیق 1498 نفر زن و 804 نفر مرد مقیم شهر تهران و شرکت کننده در آزمون سراسری سال 1383 بودند که از جامعه داوطلبان مراجعه کننده به مراکز توزیع کارنامه انتخاب شدند. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است و برای اجرای آن از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. روشهای آماری تحلیل داده‌ها شامل تحلیل عاملی و آزمون من - ویتنی ویلکاکسون است. به این منظور، ابتدا از طریق مصاحبه اکتشافی با داوطلبان پرسشنامه‌ای حاوی سی سؤال تنظیم شد. با اجرای پرسشنامه در دو مرحله مقدماتی و اصلی و تحلیل عاملی نتایج با نرم‌افزار SPSS پنج انگیزه استخراج شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه‌های داوطلبان تهرانی برای ورود به دانشگاه به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: منزلت اجتماعی، محیط اجتماعی دانشگاه، انگیزه شغلی، علاقه تحصیلی و علمی و راه حل موقت. همچنین، براساس نتایج این

---

\*پست الکترونیکی: [kiya\\_kmr@yahoo.com](mailto:kiya_kmr@yahoo.com)

تحقیق داوطلبان زن نسبت به داوطلبان مرد به سه انگیزه اول اهمیت بیشتری می‌دهند و انگیزه علاقه به تحصیل برای مردان مهم‌تر است.

کلید واژگان: آزمون سراسری، کنکور، داوطلبان آزمون سراسری (کنکور)، انگیزه و جوانان تهرانی.

### مقدمه

جمعیت شرکت‌کننده در آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌های ایران طی بیست سال گذشته (1364-1384) چهار برابر شده است (کارنامه آزمون سراسری، 84-1364). این در حالی است که با افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها و توسعه انواع دوره‌های آموزش عالی حضوری و غیرحضوری، روزانه و شبانه و نیز با یاری گرفتن از بخش غیردولتی، حداکثر نیمی از این متقاضیان موفق می‌شوند به یکی از مؤسسات آموزش عالی راه یابند. علاوه بر این، تشویق خانواده‌ها و سرمایه‌گذاری آنها برای ادامه تحصیل فرزندانشان و حجم وسیع مشاغل و فعالیتهای مرتبط با کنکور، نشان‌دهنده تقاضای روزافزون جامعه برای ورود به آموزش عالی است. کافی است اشاره شود که براساس تحقیقی تازه، با احتساب هر دلار 8000 ریال، آموزشگاههای کنکور تجارتي 284 میلیون دلاری را در اختیار دارند (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، 1384). گرچه استقبال از تحصیلات عالی در کشور ما نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر گسترده‌تر است، اما نگاهی به گزارشهای رسمی و تحقیقات متعددی که در سایر نقاط جهان منتشر شده است، نشان می‌دهد که افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیلات عالی روند فراگیری است که دولت‌ها را با چالشهای تازه‌ای رو به رو کرده است. تجدید نظر در سیاستهای آموزشی، لزوم گسترش و بهبود دوره‌های آموزش عالی، تیگناهای تأمین مالی، مهاجرت نخبگان و بیکاری فارغ‌التحصیلان از جمله

تنشهایی است که در بسیاری از کشورها در پاسخ به این نیاز عمومی بروز کرده است. شناخت ماهیت این تقاضای فزاینده، گذشته از اینکه برای پژوهشگران به عنوان پدیده‌ای اجتماعی قابل تأمل است، بیش از همه برای برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران و مدیران جامعه ضروری است.

چرا مردم به آموزش عالی روی آورده‌اند؟ تحصیلات عالی امکان دستیابی به فرصت‌های شغلی بیشتر و بالاتری را فراهم می‌کند، اما این هدف در برگیرنده همه ابعاد اهمیت ادامه تحصیل نیست. علاوه بر بعد اقتصادی قضیه، تحولات پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در مقیاسهای جهانی و بومی در ایجاد این خواست همگانی تأثیر فراوان دارند.

جهان معاصر ما جهان اطلاعات است؛ امروزه، حوزه دانستنی‌های عمومی برای زندگی روزمره به مراتب فراتر از گذشته است، از این رو گرایش به سوی آگاهی و اطلاع به نیازی عمومی بدل شده است. علاوه بر این، با توجه به سرعت افزایش اطلاعات، لزوم آموزش برای تمام عمر به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح است.

مشاغل و حرفه‌ها تخصصی شده‌اند و ورود موفقیت‌آمیز به ساده‌ترین آنها مستلزم آموزش است. آموزش و کارآموزی مجرای مهم اندوختن مهارت‌ها و صلاحیتهایی شده است که برای دستیابی به درآمدی خوب و شغلی مطمئن مورد نیاز است.

با کاهش نقش خانواده‌ها و ناکافی بودن تأثیر مؤسسات دینی و رسانه‌ها، وظیفه آموزش فراتر از انتقال دانش و مهارت‌ها به عنوان نهادهای تربیت اجتماعی فزونی

یافته است. دوره جوانی نسبت به گذشته طولانی‌تر شده است و مؤسسه‌های آموزشی نقش مهمی در آمادگی و طی این دوره از عمر ایفا می‌کنند. تحولات اجتماعی به ویژه تغییر نقش زنان در جوامع موجب شده است که مشارکت آنها در افزایش تقاضای عمومی برای آموزش عالی تأثیر زیادی داشته باشد. الگوی سنتی «مرد تنها نان آور خانواده» در حال تغییر است و سهم مستقیم زنان در اقتصاد خانواده بیشتر شده است. افزایش نسبت طلاق به ازدواج و بالارفتن سن ازدواج موجب شده است تا زنان نیاز بیشتری به استقلال مالی احساس کنند. از طرفی، در مشاغل معمولی تفکر مردسالارانه رقابتی نابرابر را به زنان تحمیل می‌کند و در این میان، داشتن تحصیلات عالی می‌تواند در رفع این تبعیض مؤثر باشد.

افزون بر این موضوعات جهانی، مسائل متنوع دیگری در مقیاسهای بومی مطرح هستند که می‌توان از تغییرات جمعیت‌شناختی، الگوهای توسعه، تحول ارزشهای اجتماعی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها نام برد که نظر محققان را به خود جلب کرده است.

یونسکو (سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد) در مهر ماه سال 1377 (اکتبر 1998) همایشی جهانی در باره آموزش عالی و دانشگاهها در سده بیست و یکم برگزار کرد. در این همایش که در پی چند همایش منطقه‌ای و با تشریک مساعی صاحب‌نظران برگزار شد، اذعان گردید که مهم‌ترین نقش آموزش عالی در سده‌ای که در آن زندگی می‌کنیم توسعه اقتصادی، به ویژه از راه تربیت متخصصان، و توسعه فرهنگی و انسجام اجتماعی، به ویژه گسترش آموزش شهروندی است. علاوه بر چنین مرجع جهانی، همایشهای گوناگونی در سطوح مختلف این موضوع را تأیید کرده‌اند که در حال حاضر یکی از پررنگ‌ترین

نقشهای دانشگاهها تربیت نیروی شاغل مورد نیاز جامعه است و یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های متقاضیان ورود به آموزش عالی به دست‌آوردن شغل است. تعبیر گتجنس<sup>1</sup>(2003)، رئیس کنفرانس مسائل مالی آموزش عالی، در این باره این چنین است: «دانشگاهها با شغلها گره خورده‌اند.»

ایده‌های یادشده با تحقیقات زیادی که در سطح جهان صورت گرفته، تأیید شده است. آدامز<sup>2</sup> (1997) در پژوهش خود در باره نوجوانان ویرجینیای غربی تأیید می‌کند که علاوه بر انگیزه‌های شغلی، یکی از انگیزه‌های مهم ورود به دانشگاه جنبه‌های مهم محیطی از جمله تعامل با محیط تحصیلی است که می‌تواند در خودآگاهی و اعتماد به نفس دانشجویان مؤثر باشد. دلانی<sup>3</sup> (1999) در تحقیق خود اشاره می‌کند که استفاده از محیط اجتماعی دانشگاه برای دانشجویان با اهمیت است، اما تأثیر آن به موقعیت اجتماعی دانشجویان بستگی دارد.

در پژوهشی که نولند<sup>4</sup> در سال 1999 در ایالت تنسی آمریکا انجام داد، دریافت که تصمیم برای ورود به دانشگاه در بین دانش‌آموزان بیشتر تصمیمی اقتصادی است و اهداف شغلی بیشترین انگیزه داوطلبان را تشکیل می‌دهد. از یافته‌های دیگر این مطالعه این است که زنان نسبت به همسالان مرد خود تمایل بیشتری برای ورود به دانشگاه دارند.

---

1. Gachtgens

2. Adams

3. Delaney

4. Noland

در تحقیق دیگری که ماکسول<sup>5</sup> و همکاران در سال 2000 در استرالیا انجام داده‌اند، دستیابی به بهترین شغل و درآمد بالاتر از مهم‌ترین انگیزه‌های دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه گزارش شده است. دومین انگیزه مهمی که آنها در مطالعه خود به آن اشاره کرده‌اند، «یادگیری بیشتر در زمینه‌های مورد علاقه در دانشگاه» است. «رهایی از خانه» و «عدم توانایی یافتن کار در صورت نرفتن به دانشگاه» از مواردی بودند که توسط اکثر دانش‌آموزان رد شده است؛ ضمن اینکه هشتاد درصد دانش‌آموزان دبیرستانی قصد رفتن به دانشگاه را داشتند و زنان نسبت به مردان تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل ابراز کرده‌اند.

مطالعه دیگری در کشور هلند مؤید این است که سرمایه‌گذاری بلندمدت به معنی یافتن شغلهایی با درآمد بالا و اطمینان بیشتر، مهم‌ترین انگیزه برای ورود به دانشگاه است. در این تحقیق آمده است که طی ده سال گذشته، متقاضیان ورود به دانشگاه در هلند دو برابر شده‌اند (کانتون<sup>6</sup>، 2001).

دیویس<sup>7</sup> و همکاران (2001) به اهمیت ورود به دانشگاه برای به دست آوردن قابلیت‌های شهروندی علاوه بر مزایای شغلی اشاره می‌کنند. اندرسون<sup>8</sup> (1988) در باره علل انتخاب دانشگاه از سوی جوانان از انگیزه‌های منزلت اجتماعی<sup>9</sup>،

---

5. Maxwell

6. Canton

7. Davis

8. Anderson

9. Social Prestige

فرصتهای شغلی<sup>10</sup> و علاقه نام می برد. وی در تحقیق خود تأثیر دو متغیر جنسیت و عوامل محیطی و جغرافیایی را بررسی کرده است. گزارش وزارت علوم ژاپن (1995) حاکی از این است که بیشترین انگیزه ورود به دانشگاه در آن کشور «آموزش و تحقیق در رشته مورد علاقه» و «تخصص یابی در حرفه مورد نظر» است.

نتیجه پیمایش سراسری سازمان ملی جوانان در باره وضعیت و نگرش جوانان ایرانی (1380) نشان می دهد که 77 درصد جوانان برای کسب مدرک تحصیلی وارد دانشگاه می شوند، 65 درصد ورود به دانشگاه را موجب دستیابی به شغل و 77 درصد باعث کسب موقعیت اجتماعی بالاتر می دانند و 23 درصد فشار خانواده و اطرافیان را در این امر مؤثر دانسته اند.

جستجو در پژوهشهای دانشگاهی و طرحهای تحقیقاتی انجام شده در کشورمان نشان می دهد که تاکنون پژوهش دیگری با موضوع مشابه یا نزدیک به موضوع مورد بحث این مقاله انجام نشده است یا دست کم ما به آن دست نیافتیم. در این باره که چه متغیرهایی موجب می شود فارغ التحصیلان دوره متوسطه برای ورود یا عدم ورود به دانشگاه تصمیم بگیرند، مطالعات متعددی انجام شده است. ورود به دانشگاه از راههای گوناگون بر زندگی شخص تأثیر دارد. تواناییهایی که هر فرد با تحصیلات عالی کسب می کند، نتایج اقتصادی و بهره های اجتماعی و فکری از جمله دلایل مثبت این تصمیم گیری هستند.

در این زمینه الگوهای متعددی ارائه شده است. الگوی «انتخاب دانشگاه» که هوسلر و گالاگر<sup>11</sup> (1987) پیشنهاد کرده اند، از مراحل منطقی که هر فرد در فرایند

---

10. Career Opportunity

تصمیم‌گیری برای ورود به دانشگاه طی می‌کند، طرحی کلی ارائه می‌دهد که شامل سه مرحله پیش‌آمادگی، تحقیق و انتخاب است.



محتوای این مرحله شامل قصد فرد برای ادامه یا عدم ادامه تحصیل است.	پیش آمادگی	مرحله اول
این مرحله شامل مطالعه و انتخاب ویژگی‌های کلی تحصیلات عالی است.	تحقیق	مرحله دوم
در این مرحله فرد ملاکهای انتخاب را توسعه می‌دهد و به انتخاب رشته تحصیلی و مؤسسه محل تحصیل اقدام می‌کند.	انتخاب	مرحله سوم

عوامل بی‌شماری می‌تواند در هر سه مرحله تأثیرگذار باشد. این تأثیرات با هر ترتیب و شدتی در نهایت، موجب می‌شوند که فرد در مرحله اول به دلایلی برای ورود یا عدم ورود به دانشگاه دست یابد که در واقع، انعکاسی از گرایشها، رغبتها و انگیزه‌های اوست.

هدف اصلی تحقیق حاضر، که بر مرحله «پیش آمادگی» متمرکز است، شناخت مهم‌ترین انگیزه‌هایی است که داوطلبان آزمون سراسری مقیم شهر تهران برای ورود به دانشگاه دارند و در واقع، فهم این مطلب است که داوطلبان با چه اهدافی تحصیلات بعد از دوره متوسطه را دنبال می‌کنند و آیا میان انگیزه داوطلبان برحسب جنسیت تفاوتی وجود دارد؟ منظور از انگیزه<sup>12</sup> در این تحقیق گرایشها و

رغبت‌هایی است که در مورد علل تصمیم‌گیری برای ادامه تحصیل توسط خود افراد از میان عبارتهای پیشنهادی انتخاب شده است.

### روش پژوهش

#### جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل همه داوطلبان مقیم شهر تهران و متولد سالهای 1360 به بعد است که برای دریافت کارنامه به حوزه‌های توزیع کارنامه مراجعه کرده‌اند. با توجه به حجم نمونه لازم از کل جمعیت داوطلبان تعداد 1498 نفر زن و 804 نفر مرد از کل حوزه‌های توزیع کارنامه آزمون سراسری سال 1383 در شهر تهران (هشت حوزه) انتخاب شدند. تکمیل پرسشنامه‌ها در تمام پنج روز توزیع و از ساعت شروع تا خاتمه در حوزه‌ها انجام شد. میانگین سنی نمونه‌ها 18/77 سال با حداقل 17 و حداکثر 24 سال با انحراف معیار 1/17 بود.

جدول 1 - مشخصات نمونه‌ها به تفکیک جنسیت و گروههای آزمایشی

کل	گروههای آزمایشی					گروهها	
	زبان	هنر	علوم انسانی	علوم تجربی	علوم ریاضی	آماره‌ها	نمونه‌ها
1480	34	74	489	351	532	فراوانی	زن
100	2/3	5	33	23/7	35/9	درصد در ردیف	
65/2	87/2	84/1	83/4	75/6	48/8	درصد در ستون	
787	5	14	97	113	558	فراوانی	مرد
100	0/6	1/8	12/3	14/4	70/9	درصد در ردیف	
34/8	12/8	15/9	16/6	24/4	51/2	درصد در ستون	

2267	39	88	586	464	1090	فراوانی	کل
100	1/7	3/9	25/8	20/5	48/1	درصد در ردیف	

### ابزار تحقیق

در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا با بیش از دویست نفر از داوطلبان ورود به دانشگاه مصاحبه اکتشافی به عمل آمد. پرسش ما از داوطلبان این بود که «چرا می‌خواهند به دانشگاه بروند؟» پاسخ اولیه بیشتر داوطلبان این بود که «می‌خواهند درس بخوانند»، اما با طرح پرسشهای بیشتر در طی مصاحبه، به تدریج داوطلبان به انگیزه‌های اصلی‌تری اشاره می‌کردند. به عنوان نمونه:

- اگر دانشگاه نرم، نمی‌توانم کاری برای خودم پیدا کنم.
- می‌خواهم با کسانی که سطح فکر بالایی دارند آشنا شوم.
- اگر دانشگاه نرم، سرگرمی و مشغولیت دیگری نخواهم داشت.

با جمع‌آوری و تلخیص نتیجه مصاحبه‌ها شش انگیزه کلی برای ورود به دانشگاه شناسایی شد و سپس، براساس هر انگیزه پنج عبارت که گویای آن انگیزه بود، تنظیم شد. پرسشنامه اولیه شامل 30 عبارت با مقیاس پنج درجه‌ای، از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، همراه با مشخصات فردی داوطلب بود. پرسشنامه مذکور برای بررسی مقدماتی<sup>13</sup> با نمونه‌ای متشکل از بیست نفر اجرا شد؛ پس از رفع اشکالات، اصلاح و حذف برخی عبارتها، نمونه‌های اصلی پرسشنامه تکمیل شد. سپس، نتایج به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS به روش تحلیل عاملی<sup>14</sup>

۱۳. Pilot Study

۱۴. Factor Analysis

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تحلیل عاملی یکی از روشهای مناسب برای سنجش نگرشها و رغبتهاست و اساس آن بر همبستگی متغیرها و عاملهای مشترک است. در تحلیل عاملی واریانس مشترک هر یک از متغیرها نسبت به دیگر متغیرها محاسبه و واریانس عوامل مشترک به دست می‌آید (کوپر، 1998). برای استخراج عاملها روشهای مختلفی وجود دارد؛ در این تحقیق با استفاده از روش «تجزیه به مؤلفه‌های اصلی»<sup>15</sup> و با چرخش واریماکس، پس از هشت چرخش بهترین ساختار عاملی به دست آمد. نتایج مقدار<sup>16</sup> نشان داد که از مجموع پرسشها حداکثر پنج عامل قابل استخراج است. در نهایت، پرسشنامه‌ای حاوی ده پرسش به دست آمد که هر دو عبارت یک انگیزه را مورد سنجش قرار می‌دهند.

جدول 2- ضرایب هریک از عوامل در مقیاس بررسی انگیزه‌ها

عوامل	پرسشها	ضرایب عاملی (درصد از واریانس کل)
1- منزلت اجتماعی	5 و 9	24/02
2- انگیزه شغلی (مدرک)	1 و 4	9/70
3- محیط اجتماعی دانشگاه	3 و 8	5/47
4- انگیزه موقت (درمان موقت)	2 و 6	5/06
5- علاقه تحصیلی و علمی	7 و 10	4/27

۱۵. Principal Component Analysis

16 . Eigenvalue

پایایی پرسشنامه به دو روش محاسبه شد: همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ که در سطح 0/001 معنی دار و مقدار آن عبارت از 0/7726 است و ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای پرسشنامه پس از یک ماه با نمونه 54 نفری مقدار 0/6813 است. ضرایب حاصل از هر دو روش در حد مناسبی هستند.

اعتبار محتوایی پرسشنامه توسط چند نفر از کارشناسان سازمان سنجش و استادان مورد تأیید قرار گرفت. در باره اعتبار سازه این پرسشنامه باید یادآور شد که اساساً روش تحلیل عاملی که برای به دست آوردن پرسشنامه نهایی به کار رفته است، خود یکی از روشهای رسیدن به اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری پژوهشی است. این نوع اعتبار اصطلاحاً اعتبار عاملی<sup>17</sup> نامیده می‌شود (سرمد و همکاران، 1376). با توجه به این توضیحات، اعتبار این پرسشنامه از روش مذکور حاصل شده است. در ادامه محتوای هریک از عوامل توضیح داده و در کنار هر توضیح یکی از پرسشهای مربوط به آن انگیزه نیز آورده شده است:

1. **منزلت اجتماعی** : محتوای این انگیزه شامل شأن و احترام اجتماعی است که فرد با ورود به دانشگاه در نزد خانواده و جامعه به دست می‌آورد.  
« فکر می‌کنم اگر دانشگاه بروم ، موقعیتم در خانواده و فامیل بالاتر می‌رود.»
2. **انگیزه شغلی**: این انگیزه شامل اهداف شغلی و حرفه‌ای است که فرد با تحصیل در دانشگاه و با داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی انتظار دستیابی به آنها را دارد.

« می‌خواهم با داشتن مدرک بالاتر از دیپلم شغل بهتری به دست آورم.»

3. محیط اجتماعی دانشگاه: دانشگاه جدای از درس و تحصیل، محیط اجتماعی ویژه‌ای دارد که غالباً به عنوان محیط اجتماعی غنی‌تر و دارای افراد با سطح فکر بالاتر نسبت به محیط عمومی جامعه مورد پذیرش همگان است. برای بسیاری از داوطلبان دستیابی به این محیط نسبت به درس و تحصیل اولویت بیشتری دارد.

« می‌خواهم در محیط دانشگاه خودم را بهتر بشناسم و شخصیتم را بسازم »

4. انگیزه موقت (راه حل موقت): بعضی از داوطلبان با تردید نسبت به ادامه تحصیل بیشتر به دلیل مسائل عمومی مبتلابه جوانان به دانشگاه به عنوان راه حل موقت می‌نگرند. به طور مثال، بعضی زنها برای خروج از محیط بسته خانه یا بعضی مردها برای خروج از بلا تکلیفی بعد از دوره متوسطه یا نرفتن به سربازی و مسائلی از این قبیل راه دانشگاه را پیش می‌گیرند.

« اگر دانشگاه بروم، فعلاً سرگرم می‌شوم و از بیکاری بهتر است.»

5. علاقه تحصیلی و علمی: بسیاری از داوطلبان آگاهانه برای پرورش استعداد خود و علاقه‌اشان برای تحصیل در رشته‌های به خصوصی خواستار ورود به دانشگاه هستند و انگیزه‌های دیگر برای آنها در اولویت‌های بعدی قرار دارد. «فقط به چند رشته علاقه دارم و اگر در آنها قبول نشوم، سال دیگر در کنکور شرکت می‌کنم.»

### یافته‌های پژوهش

در جدول 3 میانگین پاسخ کل نمونه‌ها در هر یک از انگیزه‌ها به تفکیک جنسیت مشاهده می‌شود.

جدول 3- میانگین پاسخ کل نمونه‌ها به هر یک از عاملها

انگیزه‌ها نمونه‌ها	منزلت اجتماعی	انگیزه شغلی	محیط اجتماعی	علاقه تحصیلی و علمی	راه حل موقت
زن	4/07	3/80	4/03	3/35	2/87
مرد	3/99	3/68	3/77	3/45	2/81
کل	4/04	3/76	3/94	3/38	2/85

چنان‌که مشاهده می‌شود، انگیزه‌های ورود به دانشگاه در میان جامعه مورد مطالعه به ترتیب عبارت است از: به دست آوردن منزلت اجتماعی، ورود به محیط اجتماعی دانشگاه، انگیزه شغلی، علاقه تحصیلی و علمی و راه حل موقت. ترتیب انگیزه‌ها در مورد دو جنسیت یکسان است. در جدول 4 نتیجه آزمون من-ویتنی برای بررسی تفاوت انگیزه‌ها بر حسب متغیر جنسیت نشان داده شده است.

جدول 4- خلاصه نتایج آزمون من-ویتنی برای تفاوت انگیزه‌ها بر حسب جنسیت

انگیزه‌ها آماره	منزلت اجتماعی	انگیزه شغلی	محیط اجتماعی	علاقه تحصیلی	راه حل موقت
زن (میانگین رتبه‌ها)	1164/85	1178/02	1186/69	1078/68	1138/55
مرد (میانگین رتبه‌ها)	1089/40	1102/10	1004/31	1147/34	1108/35
دامنه معنی داری (یو من - ویتنی)	0/008	0/008	0/000	0/014	0/289

آزمون تفاوت میان دو جنسیت نشان می‌دهد که داوطلبان زن انگیزه‌های اجتماعی و شغلی قوی‌تری دارند و از سوی دیگر، داوطلبان مرد انگیزه تحصیلی بالاتری دارند. در انگیزه راه حل موقت بین دو جنسیت تفاوتی دیده نمی‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که متقاضیان تهرانی شرکت کننده در آزمون سراسری سال 1383 با پنج انگیزه خواستار ورود به دانشگاه هستند. این انگیزه‌ها عبارت‌اند از: انگیزه‌های اجتماعی شامل «محیط اجتماعی دانشگاه» و «منزلت اجتماعی» و سه انگیزه دیگر شامل «انگیزه شغلی»، «علاقه تحصیلی و علمی» و «راه حل موقت». نگاهی به دیدگاه‌های جهانی در باره آموزش عالی نشان می‌دهد که بجز «انگیزه موقت»، انگیزه جوانان تهرانی مشابه با جوانان سایر نقاط دنیاست، اما آنچه قابل بحث و بررسی است، اهمیت هر یک از این انگیزه‌ها در جمعیت مورد مطالعه و تفاوت آن با جوانان سایر کشورهاست.

به طوری که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، از جمله آدامز (1997)، دلانی (1999)، دیویس و همکاران (2001) و اندرسون (1988)، بعد اجتماعی تحصیلات دانشگاهی یکی از ابعاد است که به طور روزافزون مورد توجه متقاضیان جوان ورود به دانشگاه‌ها قرار گرفته است. گرچه شناخت ماهیت این انگیزه به خصوص در باره جوانان ایرانی نیاز به پژوهش‌های مستقل دیگری دارد، اما در نگاه نخست توجه به مفهوم «هویت یابی»<sup>18</sup> در روانشناسی می‌تواند برخی از ابعاد موضوع را آشکار سازد. از دیدگاه روانشناسی دوره گذر از کودکی به جوانی و ورود به دنیای بزرگسالی دوره هویت یابی است. در این دوره فرد به شناختی منسجم از خود برای ایفای نقش بزرگسالی دست می‌یابد. به گفته اریکسون (به نقل از احدی، 1373) شمار زیاد دانستنی‌ها و توانایی‌های لازم برای زندگی در جوامع

---

18. Identity



صنعتی (متجدد) باعث طولانی تر شدن این دوره شده است. تأثیر شیوه‌های زندگی در دنیای معاصر در تداوم این دوره از رشد به حدی است که روانشناسان مرحله جدیدی از زندگی به نام «پسا نوجوانی»<sup>19</sup> را مطرح کرده‌اند (چیزرپتو<sup>20</sup>، 2001). به نظر می‌رسد که انگیزه‌های اجتماعی به خصوص برای نمونه‌های این تحقیق بخشی از نیازهای زندگی در کلان شهرهایی مانند تهران و در مقیاسی وسیع‌تر روندی طبیعی در جوامع رو به رشد است. از سوی دیگر، شدت این انگیزه به عنوان اولویت اول نوجوانان تهرانی شاید تلویحاً اشاره‌ای به ضعف سایر منابعی است که باید نوجوانان را در نیازهای رشد یاری کنند. واقعیت این است که نهادهای اجتماعی مهمی همچون خانواده و نهادهای آموزشی و دینی در شکل‌گیری این دوره نقش بنیادینی دارند و هرگونه ناکارآمدی در آنها به طرح نیازهای روانشناختی با شدت بیشتری منجر خواهد شد. به هر حال، تفسیر دقیق انگیزه‌های اجتماعی برای ورود به دانشگاه و چشمگیر بودن آن در جمعیت مورد مطالعه تحقیقات بیشتر و وسیع‌تری را می‌طلبد.

انگیزه شغلی بعد از انگیزه های اجتماعی مهم ترین نیرویی است که جوانان را به سوی دانشگاه سوق می دهد. نگاهی به نتایج به دست آمده در سایر کشورها از جمله آدامز (1997)، آنبارسان (1998)، اسکات<sup>21</sup> (1998)، نولند (2001)، ماکسول و همکاران (2000) و کانتون (2001) نشان می‌دهد که انگیزه شغلی در کنار انگیزه علاقه تحصیلی و علمی مهم‌ترین انگیزه‌های جوانان برای ورود به دانشگاه را

---

19. Postadolescence

۲۰. Schizzerptto

21. Scott

تشکیل می‌دهند. در این میان، انگیزه شغلی مهم‌ترین انگیزه اکثر جوانان دنیاست. این انگیزه در راستای تحولاتی است که در جایگاه آموزش عالی در دنیا به وقوع پیوسته است. در قرن بیستم، دانشگاهها به تدریج از نظامهایی نخبه پرور به امکانی همگانی تغییر ماهیت داده‌اند و به عمده‌ترین مراکز تأمین تخصص و مهارت برای بازار کار درآمده‌اند (اسکات، 1998). این تحول اساسی موجب برجسته شدن بعد اقتصادی دانشگاهها هم برای دولتها و هم برای مردم شده است، به گونه‌ای که تصمیم برای ورود به دانشگاه تا حد زیادی تصمیمی اقتصادی تلقی می‌شود. با این حال، باید میان فراگیری تخصص و مهارت با مدرک‌گرایی تفاوت قایل شد. بحث در این باره در ارتباط با جوانان ایرانی به کارکرد تقلیدی و ماهیت وارداتی دانشگاهها در کشورهایی مانند ایران مربوط می‌شود و پژوهشهای وسیع‌تر با ابعاد تازه‌تری را می‌طلبد. ضرورت این بحث از آن روست که انگیزه‌های ورود به دانشگاه تحت تأثیر نگرش به دانشگاهها و در تعامل با کارکردهای دانشگاهها در جوامع شکل می‌گیرد. در این خصوص، می‌توان به این واقعیت در تحقیقات و گزارشهای رسمی اشاره کرد که در کشورهای پیشرفته یکی از انگیزه‌های مهم ورود به دانشگاه پرورش استعداد و علاقه‌های تحصیلی در راستای اهداف شغلی و حرفه‌ای است. به طوری که در نتایج این پژوهش مشاهده شد، انگیزه علاقه تحصیلی و علمی در جمعیت مورد مطالعه پس از انگیزه‌های اجتماعی و شغلی قرار دارد.

اما انگیزه‌ای که در تحقیقات مشابه کمتر به آن اشاره شده است، قصد جوانان مورد مطالعه برای ورود به دانشگاه با انگیزه «راه حل موقت» است. در حالی که انگیزه‌های قبلی بیشتر به نیازهای کلی و بنیادی‌تر جوانان اشاره داشتند، انگیزه «راه حل موقت» جنبه عینی‌تری دارد.

اما محتوای این انگیزه چیست؟ طبق گزارشهای مرکز آمار ایران (1380) کشور ما از جوان‌ترین کشورهای جهان است. بیش از 20 درصد جمعیت کشور را گروه سنی 15 تا 24 سال تشکیل می‌دهد. رشد این گروه سنی نسبت به سایر گروههای سنی و به هم خوردن تعادل جمعیتی به این معنی است که نیازهای جوانان با شدت بیشتری در سطح عمومی جامعه مطرح می‌شود و حتی به عنوان اولویتهای اساسی در می‌آیند. در حال حاضر، در کنار سایر نیازهای جوانان، اشتغال از مهم‌ترین نیازهای جامعه ماست. بازار کار در کشور به گونه‌ای نیست که جوانانی را که تمایلی به ادامه تحصیلات عالی ندارند جذب کند، از طرفی، دوره‌های فنی و حرفه‌ای در حد متوسطه و کاردانی توسعه و توزیع مناسبی در سطح کشور ندارند. علاوه بر این، دوره‌های مذکور نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی اعتبار کافی کسب نکرده‌اند. سایر دوره‌های متوسطه عمومی نیز مهارت خاصی را به دانش‌آموزان نمی‌آموزند. این سردرگمی میان بیکاری، انتظارات خانواده و احساس مسئولیت باعث می‌شود که برخی از جوانانی که تمایل چندانی به ادامه تحصیلات عالی ندارند، برای رهایی از این تنگنا ورود به دانشگاه را به عنوان یک راه‌حل موقت انتخاب کنند.

برای زنان جوان احتمالاً وضع نامساعدتر است. ارزشهای حاکم بر خانواده‌های ایرانی حمایت و حفاظت از آنان را مورد تأکید قرار می‌دهد. این حمایت در اغلب اوقات به صورت محدودیت اجرا می‌شود. مراکز تفریحی و فرهنگی و فعالیتهای اجتماعی یا ورزشی مورد وثوق خانواده‌ها که بتواند طیف وسیع دختران جوان فارغ‌التحصیل دبیرستان را پوشش دهد، بسیار کم شمارند. از سوی دیگر، معیارهای فکری جوانان در حال تغییر است و زنان ایران نیز متأثر از روند دنیای

معاصر و نیز شرایط خاص خود خواهان حضور بیشتری در جامعه هستند و به خصوص نسبت به گذشته در قبال استقلال مالی خود احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند. رفته رفته این انتظار که آنان نیز در اقتصاد خانواده سهیم باشند، رایج‌تر می‌شود. از طرفی، طبق گزارشهای مرکز آمار ایران با وجود فزونی جمعیت مرد به زن در کل کشور، در سالهای اخیر این نسبت در رده سنی جوانان واژگون شده و تا حد چشمگیری تعداد زنان جوان نسبت به همسالان مرد خود بیشتر شده است. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که در جمعیت مورد مطالعه، به طور معنی‌داری زنان بیش از مردان در پی دستیابی به «محیط اجتماعی دانشگاه» به عنوان محیط مقبول خانواده‌ها و جامعه برای خروج از این بن بست هستند.

به طوری که دیده می‌شود، انگیزه‌های ورود به دانشگاه تا حد زیادی منعکس‌کننده وضعیت جوانان جامعه ماست و این طبیعی است که نگرشها و رغبتها تحت تأثیر شرایط ظهور می‌کنند و در هر شرایطی، برخی انگیزه‌های غالب سایر انگیزه‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. طبق نتایج این مطالعه، انگیزه «علاقه و استعداد تحصیلی» چندان که باید مورد نظر داوطلبان قرار نگرفته است.

بر اساس نظریه مازلو (1970) نیازهای اولیه‌ای مانند نیازهای فیزیولوژیک، امنیت و احترام پیش‌نیاز رسیدن به خود شکوفایی است. تا هنگامی که نیازهای اولیه تا حد نسبی برآورده نشوند، اساساً زمینه درونی برای شکوفایی استعدادها و توجه به علاقه‌ها و رغبتها به وجود نمی‌آید. در حال حاضر، وضعیت جوانان کشورمان نشان دهنده آن است که آنها عموماً درگیر فعالیتهایی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی مادی و معنوی خود هستند و از این رو، طبیعی است که در انگیزه‌های خود برای ورود به دانشگاه «علاقه تحصیلی و علمی» را در اولویتهای مرتبه آخر قرار دهند. به عکس، در کشورهایی مانند ژاپن و برخی کشورهای مرفه

دیگر، «پرورش استعداد تحصیلی» و پرداختن به علاقه‌ها تأثیر تعیین کننده‌ای در تقاضای ورود به دانشگاه دارد.

همان گونه که ملاحظه شد، گرچه اولویت انگیزه‌ها برای داوطلبان زن و مرد یکسان است، اما اهمیت آن در مقایسه بین دو جنسیت مشابه نیست. انگیزه‌های اجتماعی و شغلی برای داوطلبان زن نسبت به مرد اهمیت بیشتری دارد و از سوی دیگر، انگیزه علاقه تحصیلی و علمی برای مردان مهم‌تر است. به نظر می‌رسد که علاوه بر موضوعات مطرح شده در توضیحات مذکور، این تفاوت تا حدی نیز به ویژگی‌های دو جنسیت مربوط می‌شود. به‌طورکلی، برحسب شواهد علمی اهمیت جنبه اجتماعی برای جنس مونث بیش از جنس مذکر است (کرنر<sup>22</sup>، 2004). با این همه، این موضوع جالب نیز مستلزم تحقیقات بیشتر است.

بحث حاضر نشان دهنده آن است که تفسیر رفتار جوانان که یکی از تجلیات آن تقاضای ورود به دانشگاه است، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و برای رسیدن به تصویری واقعی ضروری است که با عمق بیشتری مورد کاوش قرار گیرد. بر همین منوال، در تحلیل مسئله پیشی گرفتن زنان از مردان در میدان کنکور در چند سال اخیر بجز افزایش مشارکت در جامعه به عنوان عاملی مثبت، ممکن است معضلات روانی - اجتماعی آنها عامل مهمی محسوب شود که البته، مستلزم انجام دادن پژوهشی دیگر است.

سخن آخر

افزایش بی‌رویه داوطلبان کنکور یک «پیامد» اجتماعی است. توجه به این معنی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. کنکور حاوی علایم بالینی است که نشان دهنده بخشی از کارکردهای درونی جامعه ماست. کار درست آن است که به جای تخفیف علایم به درمان پرداخته شود. در گذرگاه کنکور از یک سو ویژگی‌های مثبت اجتماعی مانند گرایش به آموزش عالی و مشارکت زنان و از سوی دیگر، معضلات اجتماعی مانند افزایش و به هم خوردن تعادل جوان، بیکاری، مشکلات فرهنگی، آموزشی و تربیتی با یکدیگر تلاقی کرده و ازدحام متقاضیان آموزش عالی را موجب شده است. باید از گرایشهای مثبت استقبال و برای آنها برنامه‌ریزی کرد و موجبات هدایت و حمایت از آنها را فراهم آورد و به فکر چاره برای معضلات بود. برنامه‌ریزی برای کنکور جدای از برنامه‌ریزی برای جوانان نیست و این برنامه‌ها پیش از آنکه معطوف به خود کنکور باشد، به عوامل زمینه ساز آن مربوط می‌شود.

معضل انگاشتن کنکور و دیدن آن به خودی خود به عنوان یک مسئله، برداشتی عمومی در جامعه ماست که حتی در قشر صاحب تفکر نیز رواج یافته است. عواقب این طرز تلقی ناگفته پیداست. حداقل فایده این تحقیق این است که دید ما نسبت به این پیامد اجتماعی به واقعیت نزدیک شود و تنها در این صورت است که می‌توان به شناختی صحیح از جامعه، جوانان و جو غالب بر آموزش کشور دست یافت و در نهایت، تصمیم‌گیری‌هایی سنجیده‌تر و مؤثرتر اتخاذ کرد.

## منابع

الف. فارسی

1. آنبارسان، اتیراجان(1998)؛ «دانشجویان هندی در جستجوی الدورادو»؛ ترجمه کمیسیون ملی یونسکو در ایران(1378)، ماهنامه پیام یونسکو، شماره 340، تهران: دفتر کمیسیون ملی یونسکو.
2. احدی، حسن و نیکچهره محسنی (1373)؛ روانشناسی رشد، نوجوانی و جوانی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
3. اسکات، پیتر(1998)؛ «لرزاندن برج عاج»؛ ترجمه کمیسیون ملی یونسکو در ایران(1378)، ماهنامه پیام یونسکو، شماره 340، تهران: دفتر کمیسیون ملی یونسکو.
4. مرکز آمار ایران(1380)؛ سالنامه آماری کشور؛ تهران.
5. سرمد، زهره و همکاران(1376)؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
6. کرلینجر، فرد، ان(1980)؛ مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند (1376)، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور.
7. کوپر، کالین(1998)؛ تفاوت‌های فردی؛ ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند(1379)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
8. مازلو، آبراهام(1970)؛ شخصیت و انگیزش؛ ترجمه رضوانی(1378)، چاپ اول، تهران.
9. مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا)؛ تحلیل اقتصادی آزمون‌های ورود به دانشگاه (1384).
10. سازمان ملی جوانان (1380)؛ وضعیت و نگرش جوانان ایران؛ چاپ اول، تهران.

ب. لاتین

۱. Adams, John E.(۱۹۹۷); **A Study to Determine the Impact of a Precollege Intervention on Early Adolescent Aspiration and Motivation for College in West Virginia**; Blacksburg, Virginia.
۲. Anderson, P. (۱۹۹۸); Choice, Can we Choose it?, in J. Radford(ed), **Gender and Choice in Education and Occupation**; Routledge, London.
۳. Canton, E. & R. Venniker (۲۰۰۱); **Higher Education Reform : Getting The Incentives Right**; CHEPS, Netherland .
۴. Cornner, M. (۲۰۰۴); “Understanding the Difference between Men and Women”; <http://www.Oregoncounseling.org>
۵. Davis, Houston D., Brian E. Noland & Russ Deaton(۲۰۰۱); “Novel Approach to College Choice: A Survey of Post- Secondary Opportunities”; Presented at the Annual Meeting of Association of Institutional Reaseach, Long Beach, CA, June ۳-۶ ۲۰۰۱.
۶. Delaney, Anne Marie(۱۹۹۹); Parental Income and Students College Choice Process: Research Findings to Guide Recruitment Strategies.
۷. Gaehtgens, P. (۲۰۰۳); German-Australian Conference on Higher Education Financing; Berlin, ۲۴/۲۵ October.
۸. Hossler, D. & K. S. Gallagher (۱۹۸۷); “Studying Student College Choice: A Three- Phase Model and the Implication for Policy Makers”; **College and University**, Vol. ۲, No. ۳.
۹. Japanese Government Policies in Education, Science, Sport and Culture (۱۹۹۹); <http://www.mext.go.jp/eky>
۱۰. Maxwell, G. & Colleague (۲۰۰۰); **How People Choose Vocational Education and Training Programs**; NCVET Publ, Australia.



۱۱. Noland, D. & N. Deato (۲۰۰۱); Tennessee Higher Education Comission Higher School Student Opinion Survey.
۱۲. Schizzerptto, A. & G. Gasperoni (۲۰۰۱); **Study on the State of Young People and Youth Policy in Europe**; LARD s.c.r.l. Milano.
۱۳. The World Conference on Higher Education in the Twenty-first Century : Vision and Action, Was Held in Unesco Headquarters in Paris, from ۰-۹ October ۱۹۹۸.
۱۴. Tinklin, T. & D. Raffe (۲۰۰۰); **Scottish School Learners Entering Higher Education**; CES publ. Edinburgh.